زنجیر روی زمین اتحاد
پیکار خلق
۵۸
یکشنبه ۳ آبان ۵۹
گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

حکومت نظامی در ارومیه

هرروز که میگذرد حکومت جمهوری اسلامی دشمنی خود را با خلقهای دلاور ایران، علی الخصوص خلق بپا خاسته کرد، بیش از پیش آشکار میسازد. رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با جنبش مقاومت خلق کرد همه تجارب امپریالیسم و ارتجاع را بکار می بندد. تجاربی که در برابر امواج انقلابی توده های ستمکش کرد یارای مقاومت نداشته و حکومت به عبث می پندارد که با توسل به آنها قادر به خفه ساختن جنبش خلق کرد است. لشکرکشی های مکرر ارتش جمهوری اسلامی به کردستان بپا خاسته، گسیل پاسداران سرمایه، قتل عام و بمباران مردم بی دفاع، ترور پیشمرگان کرد، محاصره اقتصادی خلق کرد و ..... از جمله طرقی بود که حکومت جمهوری اسلامی بدان دست یازید. اما همه و همه در مقابل جنبش مسلحانه خلق کرد مجبور به شکست بودند. اینک که این جنبش بحق میرود تا ضربات کاری را بر پیکر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی وارد آورد، حکومت به یکی دیگر از

بقیه در صفحه ۴

جنگ ایران و عراق و بهره برداری سران حکومت از آن

مدتی است که روزنامه های وابسته به حاکمان وقت، چه بصورت تیترهای بزرگ و چه بصورت خبر از این یا آن آژانس خبری، مطالبی را درج میکنند و سپس نتیجه میگیرند که بلوک غرب بالاخره مجبور شده است که "انقلاب ما" را برسمیت بشناسد. ازجمله چنین می نویسند "ماسکی (وزیر امور خارجه آمریکا) گفت ما با مخالف تجزیه ایران هستیم. معتقدیم که انسجام ایران بنفع ثبات تمامی منطقه است ..... استقلال و تمامیت ایران بر اثر حمله عراق مورد تهدید قرار گرفته است" و یا اینکه "رادیوها و خبرگزاریهای خارجه مقاومت دلیرانه ارتش و سپاه پاسداران را ستودند". حبیب شطی این مهره امپریالیسم آمریکا که دبیرکل کنفرانس کشورهای اسلامی است در ملاقاتش با خمینی میگوید "این انقلاب اسلامی ایران، دشمن های زیادی دارد، زیرا این انقلاب اسلامی مبارک شما به مسلمانان حیاتی تازه بخشید و بعد از اینکه باید گفت اسلام فراموش شده بود و مسلمانان ما میخواهند این انقلاب پابگیرد و بیدار لازم را به تمام ملتهای اسلامی ببخشاید". نیویورک تایمز می نویسد "عراق هیچگاه به هدف سیاسی خود نخواهد رسید" و ..... خوانندگان حتماً فراموش نخواهد کرد که تا چندی پیش تمام دستگاههای تبلیغاتی رژیم ظاهراً تبلیغ میکردند که آمریکا با پشتیبانی از عراق قصد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را دارد. توپهای تبلیغاتی رژیم آن چنان محکم بنظر می آمد که ساده لوحان سیاسی را گیج و سردرگم نموده بود. اما برای کسانی که میخواهند به حقایق سیاسی و اجتماعی در اوضاع بغرنج کنونی پی ببرند، علائم و

بقیه در صفحه ۲

تشدید خفقان و افزایش بگیر و ببند

رژیم جمهوری اسلامی مستأصل از فعالیت مبارزاتی سازمانهای انقلابی و کمونیست و افزایش اعتماد توده های زحمتکش نسبت به انقلابیون، هرروز بر تعداد زندانیان سیاسی می افزاید. هرروز که میگذرد توده های بیشتری درمی یابند که حقایق را باید از انقلابیون راستین بشنوند و دستگاههای تبلیغاتی رژیم جز دروغ چیزی تحویل آنها نداده و نخواهد داد. در رابطه با مسئله جنگ نیز تشنگی توده ها برای دریافت اخبار صحیح بچشم می خورد. برای حکومت جمهوری اسلامی بسیار خوش آیند است که مردم به رادیوهای ارتجاع و امپریالیسم گوش فرا دهند، اما یک اعلامیه خبری در مورد اوضاع فلاکتبار جنگ نخوانند. بهمین جهت همه نیروهای سرکوبگر خود را بسیج کرده است تا با گسترش شرایط خفقان از فعالیت انقلابیون بکاهد و از توجه و تمایل توده ها نسبت به نشریات و اعلامیه های انقلابی جلو گیرد. در همین رابطه است تبلیغات زهرآگین حکومت در مورد شایعه سازی و توجیه دستگیری مبارزان انقلابی.

روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۶ مهر

بقیه در صفحه ۳

دارودسته بازرگانی چاکران امپریالیسم، یاور جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی در پوشش جنگ با رژیم بعثی عراق، همکاری خود را با ارتجاع عیون گسترش بسط و گسترش میدهد. هرقدر خلق بپا خاسته کرد مورد تهاجم ارتجاع کنونی قرار گرفته است، بهمان میزان

بقیه در صفحه ۴

مرگ بر امپریالیسم و سرمایه داری وابسته

از اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

جنگ ایران ...

آثار فراوانی موجود است که میتواند ما نهـا راه را از چاه بازشناسد و واقعیتها را بـاز گوید . بگذریم از سازشهائی که در پشت پرده سران جمهوری اسلامی ایران بنـا امپریالیستهای رنگارنگ کرده اند تا لحن خبرگزاریها و مهره های آنان نسبت بـه " انقلاب اسلامی" تغییر یابد . هرآنچه که از لابلای کلمات سران حکومت ایران بیرون میتراود خود بسیار گویاست و کسانی که نخوا ـ هند براهدافی که در کلمات غیرمستقیم بیان میشود ، انگشت بگذارند و سعی ننمایند کـه پرده ها را بدرند و واقعیت عریان سیستم سرمایه داری وابسته را به توده ها بشناسا ند ، اگر نگوئیم جنایت کرده اند ، خوا ـ هیم گفت که عوامفریبی نموده و آب به آسیا رژیم میریزند .

بنی صدر در ملاقاتی با سفیر شوروی ، از وی خواسته است که نسبت به اجرای قرار ـ داد نظامی ای که با روسیه بسته شده است کوشا باشند و بالاخره از لابلای جملاتـش چنین پیداست که ارتش جمهوری اسلامی از تجهیزات روسی بی بهره نبوده و سران حکومت جمهوری اسلامی همچنان مایل به ادامهٔ سرازیرشدن اسلحه های روسی به ایران میباشند . وی میگوید " بعد مسئلـهٔ قراردادی که بین ایران و روسیه در مـورد تجهیزاتی که بعاد اده بودند و تأمین قطعات ... آنها را گفتم" (انقلاب اسلامی ۳۰ مهر ۵۹) . از سوی دیگر رجائی در یـک مصاحبهٔ مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران داخلی و خارجی میگوید " ..... ما بهیچ وجه آزادی گروگانها را با اسلحه و لوازم یدکی مربوط نمی ـ کنیم ..... ایران پول مقادیری لوازم یدکی را به آمریکا پرداخته است که آمریکا ظالمانه از ورود آنها به ایران خودداری کرده است" . . آیا گفتارهای نقل شده در بالا بدون هیچگونـه دلیل هستند ؟ خیر . بنظر ما هرکدام از این دو جناح ارتجاعی از سوئی بروز جنگ را برای توجیه بستن قراردادهای نظامی با امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم مساعد یافته و از سوی دیگر سعی میکنند که تمام قراردادهای اسلحه و مهمات از خارج و گذشتن بودجهٔ فراوان در اختیار ارتش در رابطه با این مسئله است که اکنون ارتش با سیستم آمریکائی آن بسرعت بازسازی شود و قرارداد ـ های اسارتباری که منعقد خواهد شد در این شرایط ، یعنی شرایط جنگ ایران و عراق برحق جلوه داده شود .

اکنون دو جناح حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر و شرکاء باهم بمسابقه پرداخته تا هرکدام خود را بعنوان تنها پیاده کنندهٔ این نقشهٔ امپریالیستی جا بزنند . جنگ نا ـ عادلانهٔ ایران و عراق تضاد دو جناح سر ـ مایه داران ایران را برای بیشتر تثبیت نمودن خود تشدید نموده است تا جائیکه حـزب جمهوری اسلامی بتوسط رجائی و دیگر مهره ـ های خود در دولت ، تصویب نامه هائـی را میگذراند که به امضاء بنی صدر نمیرسد و یا اینکه بوسیلهٔ شورای عالی دفاع قدرت بنی ـ صدر را کاهش میدهد و همچنین در رادیو و تلویزیون مهره های جناح بنی صدر را تا آن ـ جاکه قدرت داشته است ، به بیرون پرتاب می کند . بنی صدر ناراضی از این اعمال رقیب بار شاه مخلوع را با امپریالیستهای رنگارنگ تجدید حیات نمایند و همچنین این جنـگ را وسیله ای قرار دهند برای آنکه بتوانند جناحهای خود را با کمک امپریالیستهـای رنگارنگ مستحکم کنند و با تبلیغات در مورد برحق بودن جنگ با عراق به توده هـای متوهم آن چنان وانمود سازند که گویا کشانـدن خلقهای ایران به زیر پنجه های خونیـن امپریالیستها از " واقعیت زمانه" سرچشمـه میگیرد . نکتهٔ قابل ذکر در اینجا این است که اگرچه دو ابرقدرت امپریالیستی آمریکـا و شوروی هرکدام با روش خود سعی می کنند که جناحی از سرمایه داری ایران را بسوی خود جلب کنند و از آن بنفع خود بهره برداری نمایند ، اما جناحهای سرمایه داری ایران تاکنون چنان رفتار نموده اند که نشان میدهد مایلند در گردونهٔ بلوک امپریالیستی غـرب باقی بمانند . تعریف و تمجید های روسای دول امپریالیستی غرب از حکومت ایران در ارتباط با همین امر است . اضافه کنیم کـه تصویب نامهٔ اخیر هیئت وزیران در مورد خرید

در کارنامهٔ خود مینویسد " مجری قانون اساسی رئیس جمهوری است نه نخست وزیر . نما ـ یندگانی که بخارج فرستاده میشوند باید با تصویب رئیس جمهوری باشد وووو . بازاین مورد هم غنیمت شمردن اشتغال رئیس جمهوری است بمسائل جنگ و میخ قدرت را محکم کردن است که با هیچ اخلاقی هم موافق نیست . و من اینرا شفاها به ایشان گفتم . گفتم لااقل این امور را در زمان جنگ تعطیل کنند و اگـر یاری اساسی نمیکنید بهتر است این کارها را هم نکنید و دست و پا را نگیرید تا جنگ تمـام بشود ....." (انقلاب اسلامی ۲۹ مهر ۵۹) حزب جمهوری اسلامی موقعیت جنگ بیـن ایران و عراق را مغتنم شمرده و تا حد زیادی حاضر نیست با جناح رقیب همکاری نماید . او میخواهد از این وقت طلائی کمال استفادهٔ را ببرد و رقیبش را در یک کوچهٔ بن بست قرار بدهد . بنی صدر برآشفته از این امر در روزنامهٔ انقلاب اسلامی می نویسد "تصویب نامه ها را هم که باید موافق قانون اساسـی برای تصویب رئیس جمهوری میفرستادند تا ـ بحال نفرستاده اند بنابراین اعمالی که تا ـ بحال بنام هیئت وزیران انجام گرفته است غیرقانونی است و این رویه ای نیست که من بعنوان رئیس جمهوری و مجری قانون اساسی بتوانم آنرا تحمل کنم" . جناح بنی صدر بخوبی میداند که خمینی طرفداری بسیار زیادی از حزب جمهوری اسلامی میکند و گاها آگاهانه جناح او را تضعیف مینماید . این جنـاح بخصوص پس از فرمان تشکیل شورای عالـی دفاع موقعیتش را تا حدی تضعیف شده می ـ بیند . جالب است که بدانیم بنی صـدر خود در ابتدا در تشکیل شورای عالی نقـش داشته است و منظورش آن بود که از طریـق این شورا جناح خود را چه در فرماندهی ارتش و چه در تبلیغات مربوط به جنگ مستحکـم گرداند ولی این استحکام با ورود رفسنجانـی خامنه ای و پرورش و ..... به سستی گرائید . با این حال بنی صدر از کوشش برای قبضـه کردن ارتش بطور کامل در دست جنـاح خود مضایقه نمی نماید . مسافرت وی بجنوب کشور و اطراق او در آنجا برای تثبیت موقعیت جناح خود میباشد . بقیه در صفحهٔ ۳

زحمتکشان ایران و عراق را از جنگ نا عادلانه رژیمهای ایران و عراق نمی جز

افزایش فقر، بی خانمانی، قحطی و ..... نیست !

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

تشدید خفقان ...

خبر از دستگیری "۵۰ نفر ضد انقلاب شایعه ساز" میدهد و بعد از قول یکی از مسئولین کمیته مرکزی مینویسد "این قبیل اشخاص با شایعه پراکنی سعی دارند وضع جبهه‌های جنگ و جانبازی و فداکاری مبارزان کشورمان را علیه رژیم بعثی و سرسپرده آمریکای جنایتکار وارونه جلوه دهند. با حضور در اماکن عمومی و وسائط نقلیه از قبیل تاکسی و اتوبوس با شایعه پراکنی به تضعیف روحیه مبارز و انقلابی کشورمان می پرداختند". اما براستی منظور از "وارونه جلوه دادن" و "تضعیف روحیه" چیست؟ کمونیستهای راستین میهنمان با وقوع جنگ میان دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق ضمن موضعگیری صحیح خود مبنی بر ناعادلانه و ارتجاعی بودن این جنگ کوشیدند در نشریات و اعلامیه‌های خود اخبار جنگ را آنگونه که هست و نه آنگونه که حکومت جعل میکند در اختیار مردم بگذارند. دستگاههای تبلیغاتی رژیم هر روز خبر از "پیروزی و پیشروی" ارتش و پاسداران میدهد در حالی که ارتش عراق در خاک ایران بوده و از موضع مسلطتری برخوردار است. بلندگوهای رژیم وانمود میکنند که به تسلیح عمومی مردم پرداخته‌اند در حالیکه مردم بی اسلحه در مقابل بمبارانهای هوائی و تانک و توپ ارتش عراق قرار گرفته و مجبور به ترک شهرهای جنگ زده شده‌اند. حکومت از کافی بودن نفت و ارزاق عمومی و ارزان شدن مایحتاج مردم سخن میراند در حالیکه قحطی و گرانی علی الخصوص در مناطق جنگی بیداد میکند. حکومت میخواهد خود را میهن پرست و ضد امپریالیست جا بزند و از تنفر بحق توده‌ها نسبت به رژیم بعث عراق سوءاستفاده کند، در حالیکه زد و بندهای وی با امپریالیستهای گوناگون وی را رسوا میسازد. رژیم میخواهد افکار توده‌ها را متوجه خارج سازد و در داخل خود را تحکیم بخشد. حکومت هزار و یک خواسته ارتجاعی دیگر دارد که می‌خواهد با بهره گرفتن از توهم توده‌ها بخصوص با مغتنم شمردن بروز جنگ به اجرا در آورد. اما انقلابیون اصیل و کمونیستها که با موضعگیری صحیح خود در مقابل مسئله جنگ دست حکومت را از جمله در موارد بالا باز می‌کنند و به توده‌ها میگویند که: "این رژیم ضد امپریالیست نیست، ارتش و پاسداران مدافع این حکومت و سیستم سرمایه‌داری وابسته هستند. ارتش و پاسداران در جبهه جنگ با عراق از منافع سرمایه‌داران حمایت میکنند نه منافع توده‌ها. جنگ برای زحمتکشان قحطی و فلاکت بیشتر ببار آورده است. حکومت بسرکوب خلق قهرمان کرد همچنان ادامه میدهد. دشمن در داخل و در حکومت است. میهن "اسلامی" فریبی بیش نیست. "دفاع از میهن" یعنی دفاع از میهن سرمایه‌داران و .... آری این انقلابیون که چنین میگویند برای حکومت سد بزرگی هستند پس باید آنها را از سر راه برداشت لذا اتهام شایعه‌سازی و وارونه جلوه دادن اخبار جنگ وسیله خوبی برای حکومت میگردد بر تعداد انقلابیون در بند روز بروز افزوده می‌گردد و هر آنکس را که مشغول خواندن اعلامیه‌های انقلابی و کمونیستی هستند و جستجوگر حقایق روانه زندان میسازد. موج دستگیریها افزایش مییابد. روزنامه جمهوری اسلامی در رابطه با دستگیری ۵۰ نفر باز هم از قول همان مسئول کمیته مرکزی مینویسد "یکی از رانندگان تاکسی که با اتفاق چند سرنشین دیگر در منطقه غرب تهران مشغول توزیع اعلامیه بر ضد ارتش و دولت بودند توسط پاسداران کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۸ دستگیر شدند". جان کلام اینجاست و مسئله اساسی اینست که هر آنکس حاضر به تسلیم در مقابل حکومت نشد به مبارزه انقلابی علیه حکومت سرمایه‌داران دست زد به توزیع اعلامیه ضد رژیمی پرداخت در زمان جنگ اهداف حکومت را از جنگ باز گفت و حقایق را با توده‌ها در میان گذاشت جایش در گوشه زندان است. بنابراین مسئله شایعه‌سازی و تضعیف روحیه مردم عوامفریبی بیش نیست. رژیم اگر چه مهر شایعه سازی بر دستگیر شدگان میکوبد اما ناچار میشود اعتراف کند که مسئله چیز دیگری است همانگونه که از نقل قول بالا مستفاد میشود. تشدید خفقان و سرکوب و افزایش موج دستگیری و بگیر و ببند خود بیانگر وحشت حکومت از بیداری توده‌ها است که انقلابیون و کمونیستها نقش اساسی را در این بیداری ایفا میکنند.

جنگ ایران ...

سرکشیهای او به پادگانهای مختلف و اصراروی برای درجریان قرارگرفتن روزمره او چیزی نیست جز کوشش برای مستحکم کردن پیوند جناح خود با فرماندهان نظامی. اما حزب جمهوری اسلامی که باراه یافتن به شورای عالی دفاع از نظر قانونی خود را قوی‌تر می بیند میکوشد با فرستادن مهره هائی چون آیت الله منتظری به جبهه جنگ نیز ضمن تلقین به پرسنل ارتش که گویا جنگ برای خدا و اسلام و علیه کفراست برای آینده که جنگ تمام شد نقشه ریزی نماید و سرنوشت جنگ را که بنظر ما هیچکدام از طرفین پیروزی را بدست نخواهند آورد نتیجه کوششهای جناح خود بداند. همچنین با تبلیغات فراوان علاوه بر تشدید توهم جنگ مذهبی در اذهان توده های ناآگاه برپایه های خود استحکام بیشتری بدهد. جناح بنی صدر در رقابتش با حزب جمهوری اسلامی مجبور به اعتراف به این امر می گردد و در روزنامه انقلاب اسلامی مورخ ۵۹/۷/۲۹ میخوانیم "فردای پیروزی مدعی پیروزی بسیار خواهد شد هرکسی و هرگروهی خواهد گفت که این پیروزی را او بدست آورده است". بهرحال قصد ما از آوردن چنین نقل قولهائی آنستکه نشان دهیم جنگ ایران و عراق جدالهای دو جناح سرمایه داری ایران را تشدید کرده است.

توده های زحمتکش امروز با تمام تبلیغات رژیم حس میکنند که این جنگ چیزی جزبی خانمانی قحطی بیکاری و..... برایشان بارمغان نیاورده است اما برای این یا آن جناح از سرمایه داران این کشور "برکت" قدرت و منافع بیشتر بهمراه داشته است.

کمونیستها بیان میدارند تا زمانیکه سرمایه داری پابرجاست چنین عوامفریبی ها و حقه بازیها همواره بنام خلقها و بضرر آنها بوقوع می پیوندد. جنگ سرمایه داران برای توده ها منافعی نداشته و تنها با آگاه کردن خلقها در مورد سرشت سرمایه داری و سپس بگورسپردن سرمایه جهانی است که جنگهای ناعادلانه پایان یافته و خلقها سرنوشت خویش را بدست میگیرند.

جنگ ناعادلانه سرمایه داران ایران و عراق را به جنگ آزادیبخش خلقها تبدیل سازیم

www.peykar.org

حکومت نظامی ...

تجارب ارتجاعی متوسل میشود و آن استقرار حکومت نظامی میباشد، همان که بیانگر وحشت ارتجاع از گسترده ترشدن مبارزات است. در روز ۲۶/ ۷/ ۵۹ برقراری حکومت نظامی در شهر ارومیه از سوی "ستاد امنیت ارومیه طی اطلاعیه شماره ۷۰ این ستاد اعلام میشود. طبق این اطلاعیه مقررات منع عبور و مرور از ساعت ۸ شب تا ۵ صبح باید اجراء گردد. بیاد داریم که چگونه رژیم منفور پهلوی نیز برای مقابله با مبارزات بحق خلقهای ایران به این حربه دست یازید و بازهم بخاطر داریم که چگونه توده های خلق بی توجه به اطلاعیه های مکرر فرماندار نظامی و با تحقیر مرگ و عشق به فردای آزاد، بخیابانها ریخته و رژیم را مستأصل ساختند. دستاندرکاران حکومت جمهوری اسلامی آن زمان را بخوبی بخاطر دارند و میدانند که ستمدیدگان را از گلوله و حکومت نظامی باکی نیست. اما منطق ارتجاعیشان آنها را وا میدارد که آزمودهها را دوباره بیازمایند. حکومتی خواهد بهر طریقی که شده جنبش مقاومت خلق کرد را سرکوب سازد، لذا میبیند دارد که با برقراری حکومت نظامی در ارومیه میتواند خواست ارتجاعی خود را جامه عمل بپوشاند. خلق کرد در طول جنبش مقاومت نشان داده است که با همه توان برای کردستان آزاد میرزمد. خلق کرد در همه آزمونهای ارتجاع سربلند بیرون آمد و اینک نیز فرمان حکومت را مبنی بر منع عبور و مرور در ساعات ذکر شده بهیچ گرفته و بهمراه خلق ترک که در ارومیه ساکن هستند با تداوم مبارزات خود مشت محکمی بر پوزه حکام جدید خواهند کوبید.

○ توضیح

ما در پیکار خلق شماره ۴۵ و ۵۰ ماهیت جنگ ایران و عراق را ارتجاعی ارزیابی نمودیم و آنرا بنفع خلقهای دو کشور دانستیم. ما اگرچه باین موضع صحیح دست یافته بودیم، اما با بیان شرکت کمونیستها در جنگ بشکل مستقلانه و برعلیه تجاوز عراق بطریقی بموضع "دفاع از میهن" در افتادیم. ما این نظر را باید انتقاد گرفته و موضع خود را در شماره های بعد پیکار خلق تصحیح نمودیم. امیدواریم

دار و دسته ...

عمال امپریالیسم را مورد ملاطفت قرار میدهد. ابروزجنگ، رژیم برای پیشبرد اهداف خود بازماندگان بارزانی را بیاری طلبیده است. طبق خبر روزنامه ها ۵۰ تن از آنان بجبهه گسیل شده اند که شیخ محمد خالد بارزانی، ادریس بارزانی و چند تن از سران خاندان بارزانی از آنجمله اند. چندی پیش نیز شاهد رفت و آمد های ادریس بارزانی بتهران و ملاقات وی با چمران بودیم که در رابطه با سرکوب خلق کرد و همکاری با رژیم صورت گرفت. اما این دار و دسته کیست؟ تاریخ پیش روی ماست و خیانتهای ملا مصطفی بارزانی بجنبش خلق کرد ننگ آن. پس از شکست جنبش خلق کرد در عراق ملا مصطفی با فرار خود به ایران به خلق کرد پشت کرد و در مقابل با همکاری با سیاوساواک را مارتد را پیش گرفت. ملا مصطفی در روز ۱۲/ ۳/ ۵۰ به شاه گفته بود "ما تحت فرمان شما هستیم، بما بگوئید بمیرید میمیریم، بگوئید بژئید میزییم ما بشما وفادار بوده و هیچوقت هم نخواهیم بود" و در آینده نیز چنین خواهیم بود". بارزانی در نامه خود به کارتر برای تبریک ریاست جمهوری وی در تاریخ ۹ فوریه ۷۷ چنین مینویسد" .....

همزیستی مسالمت آمیز با رژیم بعث عراق غیر ممکن شد لذا ما به دوستان آمریکائی و ایرانیمان رجوع کردیم ..... ما کردهائی که از طریق تعهد شفاهی شرافتآهم به ایالات متحده و هم ایران وابسته بودیم ..... ما با تعهد کمک از جانب رفقایمان وارد جنگ شدیم، لاکن ناگهان ... محروم شده از کمک آمریکا و ایران ..... آخرین پرده از کار رام کرد هنوز بازی نشده است اینکه ترازدی خاتمه یابد... به شما بستگی دارد... آنان (منظور خلق کرد است ــ پیکار خلق) بمن مینگرند، من، آقای رئیس جمهور بشما رجوع می کنم ... مصیبتی که بر مردم من وارد آمده بواسطه اعتقاد شان بوده است به ... دوستی با غرب و اعتماد شان باصول آمریکا و اطمینانشان از این که این اصول خواهان حمایت از ملل ضعیف بوده از آنان پشتیبانی مینماید تا حقوق انسانی اساسی شان را بدست آورند. مردم من بمن اعتماد داشته اند من اکنون این اعتماد را بشما منتقل میکنم". (تأکیدات از ماست)

که در جزوه تئوریک سیاسی گروه بتوانیم بشکل مبسوطی در مورد ماهیت ارتجاعی این جنگ سخن بگوئیم و موضع خود را دقیقتر ارائه دهیم.

اگرچه نقل قول طولانی بود، اما میخواستیم نشان بدهیم که حکومت جمهوری اسلامی از یاری چه کسانی برخوردار است، کسانیکه بنا ــ حق خود را سخنگوی خلق کرد جا میزدند و اعتماد و اعتقاد شان را به شخص کارتر و اصول آمریکا، یعنی همان اصول سرمایه داری انحصاری، یعنی همان چاکری نسبت با امپریالیسم را بثبوت رسانیده اند. بازماندگان بارزانی نیز همچنان باین اصول وفادار هستند آنها همانقدر خائن بخلق کرد و رزمندگان بارزانی هستند که ملا مصطفی بود. امپریالیسم آمریکا هستند براستی اکنون که جمهوری اسلامی میگوید که "جنگ با عراق یعنی جنگ با آمریکا"، "جنگ با صدام یزید یعنی جنگ با کارتر"، چگونه می ــ تواند از یاری کسانیکه با رئیس جمهور شدن کارتر از شادی در پوست خود نمی گنجیدند، بهره مند شود؟ آیا همکاری با عمال امپریالیسم نشان نمیدهد که رژیم جمهوری اسلامی خود همکار امپریالیسم بوده و برای حل اختلافات خود با رژیم بعثی عراق، فقط متکی با امپریالیسم و عمال وی بوده ضمن اینکه از نیروی توده ها نیز با فریب و نیرنگ استفاده میکند؟ چرا. زیرا سیستم سرمایه داری وابسته و حافظین این سیستم فقط در گرو نه امپریالیسم موجودیت می یابند و قادر بزندگی هستند.

براستی این دریوزگان درگاه امپریالیسم چه ــ گونه میخواهند در جبهه جنگ با عراق با اربابان خود وارد جنگ شوند؟ آیا شرکت دار و دسته بارزانی در جنگ با عراق و همکاری با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خود یکی از دلائل ناعادلانه بودن جنگ و اینکه این جنگ، جنگ ارتجاعیون بوده و توده های زحمتکش ایران و عراق را از آن نفعی نیست، نمیباشد؟ هرآنکس که می پندارد این جنگ جنگ میهن پرستانه و جنگ توده های محروم است، باید منافع وابستگان با امپریالیسم و منافع توده ها را یکی گرداند. چه اگر عمال امپ ــ یالیسم را از این جنگ بهره ای نبود، در آن شرکت نمی ورزیدند. البته گفتیم این یکی از دلائل ارتجاعی بودن جنگ ایران و عراق است. ما در مقالات مکرر به جنبه های دیگر این جنگ برخورد کرده ایم و قصدمان در این ــ جا این بود که یاوران حکومت از چه قماشی هستند و چگونه به دست بوسی امپریالیسم آمریکا شتافته و از هیچ کوششی برای به تسلیم کشاندن جنبش خلق کرد دریغ نورزیده اند.

پیش بسوی جمهوری دمکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در ایران
www.peykar.org